

ظهور دولت‌های مجازی در عصر جهانی شدن

حسین رحمت‌الهی^{۱*}، رضوان ضیائی^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق، پردیس قم دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۱۲؛ تاریخ تصویب: ۹۰/۲/۳)

چکیده

در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیستویکم، جهانی شدن شرایطی ایجاد کرد که باعث پیدایش و تعمیق ضعف‌های ساختاری دولت‌ها، ناتوانی آنها در پاسخ‌گویی به مطالبات شهروندان و بحران کارآمدی دولت شده است. شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های غیرحکومتی بین‌المللی (INGO) و جنبش‌های جدید اجتماعی باعث شد دولت‌ها نتوانند چون گذشته، فارغ از محیط خارجی تصمیم بگیرند. به دنبال این روند، دولت‌ها ناگزیر شدند برای رویارویی با مطالبات رو به افزایش شهروندان و حداکثر بهره‌برداری از فضای ناشی از جهانی شدن، در نقش و جایگاه و کارویژه‌های خود بازاندیشی کنند؛ در پی این بازاندیشی، دولت‌ها اندک‌اندک از منابع سنتی قدرت مثل سرزمین، نیروی نظامی و تولید وابسته به زمین فاصله گرفته و به منابع غیرملموس مثل نیروی متخصص، سرمایه، اطلاعات، تکنولوژی و کارآفرینی روی آوردند. این دگردیسی موجب شکل‌گیری دولت‌های مجازی در گوشه و کنار جهان شده است. این مقاله برآن است تا با روش توصیفی-تحلیلی، مؤلفه‌های اصلی دولت‌های مجازی و شرایط ناشی از جهانی شدن که زمینه شکل‌گیری دولت‌های مجازی را فراهم کرده است، تحلیل کند.

واژگان کلیدی

انقلاب اطلاعاتی و تکنولوژیک، بحران دولت مدرن، جهانی شدن، دولت‌های مجازی.

مقدمه

دولت به منزله ابزاری در خدمت تلاش هدفمند انسان برای تنظیم امور سیاسی، یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای بشری به‌شمار می‌رود. بی‌شک گذر از دوران بی‌دولتی به عصر دولت‌های بزرگ، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی تمدن انسانی و تحقق حقوق مدنی ایفا کرده است؛ بدان‌گونه که می‌توان گفت جوامع بشری بدون وجود دولت‌ها هرگز نمی‌توانستند به جایگاه امروزیین خود دست یابند. در دوران کنونی، تصور جوامع بشری بدون دولت امری دشوار، بلکه غیرممکن است. پیامد این نگاه، گسترش روزافزون کارویژه‌های دولت است.

به موازات وسعت قلمرو دولت، نقش مداخله‌جویانه آن در زندگی انسان‌ها افزایش یافت؛ از این رو، زمره‌های مخالف با مداخله‌گرایی فزاینده دولت شدت گرفت و اندکاندک، انسان‌ها خواهان تحدید دامنه اختیارات دولت در زندگی خود شدند. این امر به تدریج معادله دولت بزرگ و جامعه کوچک را به نفع دولت کوچک و جامعه بزرگ برهم زد و با گسترش حوزه جامعه و ظهور جامعه مدنی، دولت‌های مدرن شاهد گرایش کمتری به سوی تمرکز قدرت بودند. (توحیدفام، ۱۳۸۱، ص ۱۱)

بدین ترتیب در پایان سده بیستم و آغاز سده بیست‌ویکم - عصر پسامدرن - تغییرات مهمی در جهان به وقوع پیوست؛ دولت‌های مدرن که براساس دیدگاه‌های هابز، لاک، روسو، منتسکیو و تئوری قرارداد اجتماعی شکل گرفتند و وابستگی تام به سرزمین و ملت داشتند، در اثر شرایط ناشی از جهانی شدن، در مفهوم، ساختار و کارکرد دستخوش تحولات برجسته‌ای شدند؛ به‌ویژه تحول در ساختار و گذار از دولت بزرگ به دولت کوچک. پیامد این تحول، تغییر در مداخله‌گرایی دولت از سطح کلان اقتصادی به سطح سیاست‌گذاری و نظارت اقتصادی، تغییر کانون مداخله‌گرایی در روند توسعه و ظهور تغییرات سریع در شرایط بازار بین‌المللی در درون جامعه است. (رحمت‌الهی، ۱۳۸۸، ص ۲۰) همچنین این تحولات موجب کاهش نقش و کارویژه‌های دولت، تحدید قدرت دولت، تجدید بنیاد آن بر روش‌های دموکراتیک، بازتعریف کارویژه‌های دولت و ظهور دولت‌های مجازی^۱ در عصر جهانی شدن گردیده است.

1. Virtual State

پارادایم دولت مجازی که نتیجه رهایی از طلسم قلمرو و نیروی نظامی بوده و بر منابع سیال قدرت از قبیل تکنولوژی، اطلاعات و نیروی آموزش‌دیده تکیه دارد، به رنگ باختن کارویژه‌های دولت مدرن با توجه به تحولات نظام اطلاعاتی اشاره دارد. در واقع دولت‌های مجازی، نشانه زمینه گفتمانی جدیدی هستند که دعاوی حاکمیت، سرزمین، استقلال، ملت و مشروعیت را از نو قالب‌بندی کرده و گامی نو در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشند. (توحیدفام، ۱۳۸۲، ص ۱۸-۲۰)

در این مقاله برآنیم به اثبات این فرضیه پردازیم که در شرایط خاص ناشی از جهانی شدن، موقعیتی شکل گرفته که دیگر ملت و سرزمین جزو عناصر سازنده دولت نیست؛ بلکه می‌توان در ساختمان مرکز اداری یک شرکت چندملیتی بر دیگر کشورها و افراد اعمال اراده و قدرت کرد. این موقعیت جدید، جایگاه، نقش، کارکرد و ساختار دولت‌ها را به شدت تحت‌تأثیر قرار داده و آنها ناگزیرند برای حیات خویش، خود را با شرایط جدید تطبیق دهند.

در راستای اثبات فرضیه، ابتدا مفهوم دولت مدرن، ویژگی‌های آن و سیر تکوین و تحول آن را بررسی می‌کنیم؛ سپس به تحلیل ابعاد، آثار و شرایط ناشی از جهانی شدن که زمینه تولد دولت‌های مجازی و روند تکامل آنها را در آغاز هزاره سوم فراهم آورده، می‌پردازیم. در ادامه، ماهیت دولت مجازی در عصر جهانی شدن و ابعاد و مؤلفه‌های آن را مورد مذاقه و مطالعه قرار می‌دهیم. در پایان نیز جمع‌بندی و چشم‌اندازی از آینده ارائه خواهیم کرد.

دولت مدرن و سیر تحول آن

آنچه امروزه به‌عنوان دولت خوانده می‌شود، در واقع دولت ملی مدرن است که خود برپایه تبدیل مفهوم ارگانیکی دولت به مفهوم مکانیکی بنا شده است. تحولات قرون شانزدهم و هفدهم میلادی با جنگ‌های سی‌ساله و پیمان وستفاليا در سال ۱۶۴۸ میلادی، دگرگونی‌هایی در نظام سیاسی قرون وسطا پدید آورد. نتیجه این پیمان از یک سو تضعیف پایه‌های قدرت کلیسا و پیدایش دولت‌های مستقل و تبدیل منشأ حاکمیت از الهی به ملی و از سوی دیگر، تثبیت مرزهای جغرافیایی حاکمیت در داخل مرزهای کشورهای مستقل و در نهایت، تبدیل دولت به بالاترین نهاد سیاسی - حقوقی بود.

با این‌همه، پیدایش مفهوم دولت به‌صورت کنونی و تفکیک نسبی حاکمیت و دولت از

یکدیگر را باید در سایه جدایی نهاد دولت از دین، پیدایش اصل مصلحت دولت و نظریه‌های «وضع طبیعی»^۱ و «قرارداد اجتماعی»^۲ از یک سو، و دگرگونی‌های ناشی از انقلاب سیاسی انگلیس (۱۶۸۹م) و فرانسه (۱۷۸۸م) و زایش انقلاب صنعتی و نظام سرمایه‌داری از سوی دیگر جستجو کرد. علاوه بر این‌ها، عواملی چون ایجاد یک منطقه واحد (سرزمین) تحت کنترل یک نظام سیاسی، تحکیم وحدت ملی، گسترش زبان و فرهنگ مشترک و یکسان‌سازی قوانین، نقش مهمی در افزایش قدرت نهاد دولت و تعمیق نفوذ آن در جامعه ایفا نمود.

۱. تعریف دولت مدرن

تعاریف متعددی برای دولت مدرن ارائه شده است. عده‌ای معتقدند دولت، جامعه سیاسی سازمان‌یافته و نهادبندی شده‌ای است که از سایر جوامع متمایز بوده و شخصیت مشخص و ممتازی از عناصر ترکیبی خود دارد و سایر نهادهای سیاسی، از آن ناشی شده‌اند. قواعد حقوقی، نهادهای مختلف و رژیم‌ها، همه از عناصر ساختاری این جامعه سیاسی‌اند. کاره دومالبر^۳ دولت مدرن را این‌گونه تعریف می‌کند: «جماعتی انسانی، مستقر در سرزمین مخصوص، با سازمانی که نتیجه آن برای گروه موردنظر و در رابطه با اعضا دارای نیروی برتر عملکرد، فرماندهی و اجبار است.» (قاضی، ۱۳۸۴، ص ۵۴-۵۶)

ماکس وبر^۴ معتقد است دولت بالاترین مرجع قانون و قدرت است که در یک منطقه جغرافیایی تعیین شده بر مردمی که در قلمرو آن زندگی می‌کنند، حاکم است. این نهاد دارای یک مجموعه قوانین اداری و حقوقی است که بر تمام اموری که در قلمرو حقوقی آن قرار دارند، ناظر است و تمام شهروندان موظف به رعایت آن می‌باشند. همچنین استفاده قانونی از نیروی قهر سازمان‌یافته، در انحصار دولت است. افزون‌بر این، دولت دارای یک دستگاه بوروکراسی مرکزی با نیروهای حرفه‌ای است که توسط آن و با اتکا بر نیروی قهر سازمان‌یافته، حاکمیت خود را بر جامعه اعمال می‌کند.

در مجموع براساس تعاریف موجود می‌توان ویژگی‌های دولت مدرن این‌گونه برشمرد:

1. Nature-State
2. Social Contract
3. Carre de Malbery
4. Max Weber

۱. سرزمین؛ ۲. حاکمیت؛ ۳. کنترل انحصاری ابزار خشونت؛ ۴. جدایی نهاد دولت از نهاد دین؛ ۵. دیوان‌سالاری؛ ۶. مشروعیت و مشروعیت؛ ۷. شهروندی.

بدین ترتیب، دولت‌های مدرن که در واقع دستاورد کنگره وستفالی و عهدنامه ۱۶۴۸ دولت‌های اروپایی است، در پایان قرن هفدهم میلادی در قالب الگویی سریعاً نوشته شده، به تدریج در سراسر اروپای غربی گسترده شد و در قرن نوزدهم تحت عنوان «دولت لیبرال» در تقابل با دولت‌های مطلقه پیشین به بلوغ رسید. (رحمت‌الهی، ۱۳۸۸، ص ۵۸-۶۰)

۲. تحول الگوی وستفالیایی دولت و تولد شکل نوین دولت‌ها

تا امروز تقریباً تمامی دولت‌ها در چارچوب پیمان وستفالی با مرز، سرزمین، مردم، حکومت و حاکمیتی مشخص اداره شده و همه چیز براساس منافع ملی تعیین و تأمین می‌شود؛ اما با گذشت سه قرن و نیم از عمر دولت‌های برآمده از وستفالی و تحول مفاهیم نظری و عملی دولت و نیز با شروع روند جهانی شدن در اواخر قرن بیستم به تدریج شرایط تازه‌ای برای دولت‌های مدرن پیش آمد و موقعیت آنها را دستخوش تحول قرار داد.

با آغاز روند جهانی شدن شاهد فرسایش اقتدار دولت‌ها، نفوذپذیری مرزها، تحدید حاکمیت آنها و تحول عناصر سازنده دولت و ورود ده‌ها بازیگر غیر حکومتی هستیم که به نوعی در اقتدار دولت‌ها سهم گشته‌اند. عصر جهانی شدن با شدت و ضعف‌های گوناگون موقعیت دولت‌های مدرن را دستخوش دگرگونی نموده و عناصر شکل‌دهنده آن از جمله ملیت، سرزمین، حکومت، حاکمیت و تعاملات میان آنها را متحول نموده است؛ به گونه‌ای که رابطه سنتی میان مشروعیت، کارایی، استقلال و اقتدار دیگر نمی‌تواند مبین موقعیت دولت در عرصه داخلی و بین‌المللی باشد. به تبع این امر، دولت‌ها با پایداری در کارویژه‌های مدرن و ماقبل مدرن که به ترتیب اعتقاد و قلمرو در آنها مبنای بود، شانس بقای خود را از دست خواهند داد. (قوام، ۱۳۸۰، ص ۶۹۴)

به دنبال روند جهانی شدن و بروز انقلاب اطلاعاتی و تکنولوژیک، نوع جدیدی از دولت‌ها تحت عنوان «دولت‌های مجازی» شکل گرفتند که بخش قابل توجهی از کارکردهای خود را از دست داده‌اند. این دولت‌های جدید هم پاسخی به تغییرات پسا مدرن بودند، هم واکنشی به روند خارجی جهانی شدن که در اثر شرایط خاص، کارکرد، ساختار و تحول جدیدی پیدا

کرده‌اند؛ به گونه‌ای که در دولت‌های مجازی دیگر سرزمین و ملیت، که یکی از محوری‌ترین ویژگی‌های دولت‌های وستفالیایی بود، ارزش خود را از دست داده است ولی هنوز این دولت‌ها در عرصه جهانی و بر شهروندان خویش اعمال حاکمیت می‌کنند و در کنار سایر بازیگران بین‌المللی به ایفای نقش می‌پردازند.

بدین ترتیب روند پرشتاب جهانی شدن و تحولات تجاری و تکنولوژیک ناشی از آن و کم‌رنگ شدن ساختارهای سنتی دولت، زمینه را برای تغییر دولت‌های مدرن به دولت‌های مجازی فراهم نموده است. به همین جهت، برای درک بهتر فرایند جهانی شدن و چگونگی تأثیر آن بر پیدایش دولت‌های مجازی، ابتدا به تعریف مختصری از جهانی شدن می‌پردازیم؛ سپس مهم‌ترین شاخص‌ها و ابعاد این پدیده در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که بر حاکمیت دولت‌ها مؤثر بوده و زمینه را برای شکل‌گیری دولت‌های نوین مجازی فراهم کرده، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جهانی شدن؛ افول دولت مدرن، قدرت‌گیری دولت مجازی

۱. تعریف و مفهوم جهانی شدن

مفهوم جهانی شدن آکنده از ابهاماتی است که پدیده پیچیده و تناقض‌آمیزی را به تصویر می‌کشد. برداشت‌های متنوع از این مفهوم آن‌چنان دستخوش تحول است که هر روز وجه تازه‌ای از ابعاد گوناگون آن نمایان می‌شود. به همین دلیل، هنوز از این پدیده تعریف دقیق و کاملی که مورد اجماع باشد، ارائه نشده است.

برخی اندیشمندان جهانی شدن را برای توصیف روندی به کار می‌برند که اقتصاد جهانی و نیروهای سیاسی و فرهنگی به سرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار می‌دهند و به خلق یک بازار نوین جهانی، سازمان سیاسی فراملی جدید و فرهنگ تازه‌ای می‌پردازند. مارکسیست‌های رادیکال هم جهانی شدن را شکل جدید استعمار و آخرین مرحله امپریالیسم خوانده‌اند. (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۳۸)

مالکوم واترز^۱ جهانی شدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که در آن، قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده از

1. M. Waters

کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند. (نیاکویی، ۱۳۸۶، ص ۲)

باربر^۱ جهانی شدن را فرایندی می‌داند که منجر به از میان رفتن مرزهای سیاسی، افزایش میانگین هم‌گرایی بین جوامع و مؤسسات، سهولت نقل و انتقال اطلاعات و تولیدات در سطح جهانی و حذف اندیشه زمان و مکان خواهد شد. (میرمحمدی، ۱۳۸۱، ص ۶۰)

دیوید هلد^۲ معتقد است جهانی شدن به تغییر یا دگرگونی در سطح سازماندهی بشری اشاره دارد که جوامع دور را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و دامنه دسترسی روابط قدرت در سراسر مناطق و قاره‌های جهان را گسترش می‌دهد؛ اما نباید آن را حاکی از ظهور نوعی جامعه جهانی هماهنگ یا فرایند جهان‌شمول و یکپارچگی جهانی دانست که در آن، هم‌گرایی روزافزون میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها وجود دارد. (هلد و مک‌گرو، ۱۳۸۲، ص ۱۷)

مک ایوان^۳ جهانی شدن را «گسترش بین‌المللی مناسبات تولیدی و مبادله سرمایه‌سالارانه» می‌داند. همچنین پروفیسور کول^۴ پدیده جهانی شدن را الگوی تکامل‌یابنده‌ای از فعالیت‌های فرامرزی بنگاه‌ها و شرکت‌ها تعریف می‌کند که شامل سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تجارت و همکاری برای ابداع، تولید، منبع‌شناسی و بازاریابی است. (بهکیش، ۱۳۸۱، ص ۲۴) برخی دیگر از پژوهشگران نیز معتقدند جهانی شدن فرایندی است که در روند پرشتاب آن، فرد و جامعه در گستره جهانی با هم پیوند می‌خورند. (آشفته تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱)

با نظر به این تعاریف که هر کدام وجهی از جهانی شدن را آشکار می‌سازد، می‌توان تعریف ذیل را ارائه داد: «جهانی شدن، فرایند فشرده‌گی زمان و مکان ناشی از پیشرفت‌های فناوری است که در نتیجه آن، انسان‌ها به‌صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه واحد جهانی ادغام می‌شوند و در نتیجه، بسیاری از محدودیت‌های جغرافیایی سیاسی و ترتیبات اجتماعی و فرهنگی از بین رفته یا کاهش یافته، تعدیل می‌شود.» این تعریف فارغ از هرگونه جهت‌گیری سلبی یا ایجابی نسبت به جهانی شدن بیان شده و تقریباً میان تمامی صاحب‌نظران این پدیده مشترک است.

-
1. Barber
 2. D. Held
 3. M. Evan
 4. Prof. C. Kool

۲. ابعاد و شاخص‌های جهانی شدن

اگرچه بسیاری از ابعاد و شاخص‌های جهانی شدن را می‌توان عامل مؤثر پیدایش شکل نوین دولت‌ها دانست، به‌جمال مهم‌ترین این شاخص‌ها را که بر روند تحولات دولت‌ها و تولد دولت‌های نوین مجازی تأثیرگذار بوده است، برمی‌شمیریم.

۲.۱. جهانی شدن اقتصاد و تجارت

جهانی شدن اقتصاد و تجارت، روندی است که تحت‌تأثیر اتفاقات متعددی چون پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک، ظهور قدرت‌های جدید صنعتی، شکل‌گیری هم‌گرایی‌های جهانی و منطقه‌ای اقتصادی نظیر نفتا و اتحادیه اروپا، توسعه صنعت حمل‌ونقل، جابه‌جایی سرمایه و تحولات مختلف دیگر تولد یافته است و به‌تدریج سبب شد تا دیگر فرایندهای مالی و اقتصادی در سطح ملی نتوانند تابع سازوکار داخلی و تصمیم‌گیری دولت‌ها باشند؛ در نتیجه، یکی از ابزارهای کنترل دولت ملی بر اقتصاد، معنای خود را به‌نحو فزاینده‌ای از دست داده و عناصر اصلی سیاست‌های اقتصادی و مالی ملی، جهانی می‌شوند. (رحمت‌الهی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۳)

از نظر برخی نظریه‌پردازان که به "جهانی‌گرایان" معروفند، جهانی شدن اقتصاد و آزادسازی آن، بازار رقابت آزاد و مقررات‌زدایی از طریق برداشتن تعرفه‌ها و موانع تجاری، باز گذاشتن بخش‌های مالی برای سرمایه‌گذاران خارجی، تشکیل سازمان تجارت جهانی^۱، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و کوچک‌سازی دولت از طریق محدود کردن کارکرد و ساختار آن، نقش دولت را در اقتصاد کاهش می‌دهد. در نتیجه چنین وضعیتی، دولت‌ها در حال از دست دادن توان خود جهت کنترل تعاملات اقتصادی هستند. (woods, 2005, p338)

مانوئل کاستلز^۲ نیز جهانی شدن اقتصاد را با تأکید بر درهم‌تنیدگی ویژگی‌های آن، "اقتصاد اطلاعاتی جهانی" نامیده است؛ "اطلاعاتی" از آن‌رو که بهره‌وری و توان رقابتی کارگزاران این اقتصاد اساساً به ظرفیت تولید، پردازش و کاربرد مؤثر اطلاعات مبتنی‌بر دانش بستگی دارد؛ "جهانی" از آن‌رو که فعالیت‌های اصلی تولید، توزیع و مصرف و اجزای اینها نظیر سرمایه، مواد خام، مدیریت تکنولوژی و بازار، در مقیاس جهانی سازماندهی شده است. بنابراین پیوند تاریخی میان بنیان متکی به دانش و اطلاعات این اقتصاد، گستره جهانی آن و انقلاب تکنولوژی

1. WTO

2. M. Castells

اطلاعات است که سبب ایجاد یک سیستم اقتصادی جدید در دولت‌های مجازی در عصر جهانی شدن گردیده است. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۳۰۳)

۲.۲. انقلاب تکنولوژیک و اطلاعاتی

توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی سبب آسان و انبوه شدن تولید، قابلیت دسترسی به کالا و خدمات، کاهش هزینه حمل‌ونقل کالا و مسافر و افزایش تحرک جمعیت، سرمایه و دانش شده است. این امر موجب افزایش میزان مراددات و مبادلات شده است؛ به‌گونه‌ای که ملت‌ها فارغ از مرزها در شاه‌راه‌های اطلاعاتی به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. همچنین رایانه‌ای کردن امور، شرکت‌ها و بنگاه‌های مجازی را قادر ساخته تا برنامه‌های تولیدی و عملیات مالی خود را به‌صورت هم‌زمان در چند کشور هماهنگ کنند. علاوه بر این، در سال‌های اخیر به دلیل انقلاب تکنولوژیک و اطلاعاتی، امکان تجارت الکترونیک در سطح جهان میسر گشته است. (رحمت‌الهی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۲)

این جهش‌های رو به جلو و تعامل میان شش فناوری میکروالکترونیک، رایانه، ارتباطات دوربرد، مواد مصنوعی، ساخت ربات و فناوری زیستی، بار دیگر اقتصاد را در مسیرهای مبتنی بر دانش به حرکت درآورده است؛ اقتصادی دانش‌محور که از مؤلفه‌های دولت مجازی است. این امور، جامعه بشری و دولت‌ها را وارد فصل نوینی از حیات خود نموده است. (تارو، ۱۳۸۳، ص ۳۴)

۲.۳. گردش آزاد سرمایه و سرمایه‌گذاری‌های خارجی

یکی از ابعاد مهم اقتصاد بین‌المللی، آغاز کار بازارهای مالی برای تحصیل وام و سرمایه است. افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی موجب تسریع تجارت جهانی شده و هم‌زمان با سرمایه‌گذاری خارجی، اشکال دیگری از گردش سرمایه نیز به‌وجود آمده است. بازارهای بین‌المللی، مبادله سهام، دادوستدهای ارزی و مبادله اوراق قرضه و بهادار، روزانه سبب جابه‌جایی میلیاردها دلار پول و سرمایه در بخش‌های مختلف جهان می‌شوند که دولت‌ها تأثیر چندانی بر آن ندارند.

گردش آزاد سرمایه موجب شده است نهادهای گوناگون اقتصادی همواره در جستجوی بازارهای مناسبی برای سرمایه‌گذاری باشند و روزبه‌روز میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش یابد. دولت‌ها نیز می‌کوشند از طریق کاهش سطح مالیات‌ها و حذف سدهای حمایتی،

زمینه مناسب برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کنند؛ (رحمت‌الهی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۵) به‌گونه‌ای که براساس آمار سازمان ملل متحد، سهم کشورهای در حال توسعه از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۱۹ درصد در سال ۱۹۹۰ به حدود ۳۰ درصد در سال ۱۹۹۲ افزایش یافته است. (بهمن تاجانی، اندیشه صادق، ۸۴-۱۳۸۳، ص ۱۵۵)

۲.۴. شرکت‌های چندملیتی

شرکت‌های چندملیتی با ساختار چندبخشی و متمرکز خود، تجلی سازمانی اقتصاد نوین جهانی هستند. تولید این شرکت‌ها به کشوری که در آن تأسیس شده‌اند، محدود نمی‌شود؛ بلکه نمایندگی‌های تولیدی در کشورهای مختلف بر مبنای سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم، به‌دست خود شرکت به امر تولید می‌پردازند. سازوکار این شرکت‌ها به‌گونه‌ای است که از مزایای نیروی کار و منابع ارزان کشورهای کم‌توسعه استفاده می‌کنند.

در دهه‌های پایانی سده بیستم، گسترش شرکت‌های چندملیتی چشمگیر بوده است؛ به‌حدی که امروزه اقتصاد جهانی بدون آنها تصورناپذیر است. این شرکت‌ها با توان مالی هنگفت و استفاده از فناوری‌های جدید و مدیریت کارآمد، روزبه‌روز قدرتمندتر شده و عرصه رقابت را برای رقبای کوچک تنگ می‌کنند. توانمندی اقتصادی و گستردگی فعالیت این شرکت‌ها به‌حدی است که نقش بسیار مهمی در اقتصاد کلان کشورها ایفا می‌کنند؛ به‌طوری که امروزه بیش از یک‌سوم محصولات جهانی به‌وسیله آنها تولید می‌شود و ۸۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های خارجی به آنها اختصاص دارد. (Ashley, 1997, p109)

۲.۵. تجدید ساختار روابط سرمایه، نیروی کار و بازار

در عصر جهانی شدن، تجدید ساختار سازمان‌ها که به‌واسطه انقلاب تکنولوژیک اطلاعات میسر گردیده و رقابت جهانی آن را تشدید می‌کند، تحولی بنیادین در روابط ایجاد کرده است. سازمان نوین اجتماعی-اقتصادی بر مبنای تکنولوژی اطلاعات در پی تمرکززدایی مدیریت، فردی ساختن کار و سفارشی کردن بازارهاست. تکنولوژی‌های اطلاعات به‌طور هم‌زمان امکان تمرکززدایی وظایف کاری و هماهنگی آنها در چارچوب شبکه روابط متقابل در زمان واقعی، خواه بین قاره‌ها و خواه بین طبقات مختلف یک ساختمان را فراهم آورده است. ظهور شیوه‌های تولیدی کمینه، محول ساختن کارها به پیمانکاران فرعی، تهیه منابع از خارج، انجام تولید در سایر کشورها، مشاوره، کوچک‌سازی و سفارشی کردن و...، از جمله تحولات بنیادی

است که بر هندسه متغیر روابط کار و سرمایه، طرحی نو درمی‌افکند. علاوه بر این، گرایش نیروی کار به انعطاف‌پذیری (خوداشتغالی و کار پاره‌وقت و موقتی)، افزایش همبستگی نیروی کار در مقیاس جهانی به دلیل اشتغال در شرکت‌های چندملیتی و شبکه‌های فرامرزی و تحرک نیروی کار، زیربنای دگرگونی ترتیبات کار می‌باشند. به‌طور کلی شکل سنتی کار که مبتنی بر استخدام تمام‌وقت، وظایف شغلی مشخص و الگوی کاری است، به آرامی در حال ناپدید شدن است. از سوی دیگر، توانایی جمع‌آوری و تخصیص نیروی کار متخصص به پروژه‌ها و وظایف خاص، در هر زمان و مکان، امکان ایجاد شرکت‌های مجازی را به‌عنوان هویتی کارکردی فراهم آورده است. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۳۱۸-۳۳۲)

۲.۶. قلمروزدایی و فروپاشی مرزها

امروزه دولت‌ها قادر به تعیین مرزهای اقتصادی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی میان خود و دیگران نیستند؛ بلکه عملاً در نوعی وابستگی متقابل در ابعاد گوناگون به‌سر می‌برند. براین اساس، دولت‌ها نمی‌توانند برای مثال در عرصه اقتصادی و در ارتباط با مسائلی چون سرمایه، کار و روابط مصرف‌کننده و تولیدکننده به‌صورت مستقل عمل کنند. (قوام، ۱۳۸۰، ص ۶۸۸)

البته شایان ذکر است این وابستگی‌های متقابل در بسیاری از موارد موجب ارتقا، توسعه و بهره‌وری دولت‌ها شده است. به‌عنوان مثال در زمینه اقتصادی، دولت‌هایی با وابستگی متقابل اقتصادی، بسیار سریع‌تر از اقتصادهای خودمحمور رشد نموده‌اند و کشورهایی که صنعتشان را به کشورها و بازارهای متفاوت توسعه داده‌اند، بیشتر از کشورهایی که تنها در کشور خود تولید می‌کنند، بهره‌مند شده‌اند.

این وابستگی جدیدی که بین دولت‌ها ایجاد شده است، اعتمادی بی‌سابقه در یکی شدن و صلح دولت‌ها و ملت‌ها فراهم آورده است؛ به‌ویژه وابستگی اقتصادی به دیگر کشورها حتی به‌صورت جزئی که پافشاری دولت‌ها بر تمرکز بر دارایی‌های نظامی را از بین می‌برد. بدین ترتیب، مسیر تجارت و جریان‌های عوامل تولید باز می‌شود. (خادمی پاشاکی، ۱۳۸۶، ص ۷)

۲.۷. تحول زیرساخت‌های ارتباطی - اطلاعاتی و قدرت رسانه‌ها

به موازات جهانی شدن، حوزه دیگری از قدرت، یعنی حوزه رسانه‌ها و ارتباطات،

حکومت و کنترل ملی را به شدت به چالش کشیده است. کنترل اطلاعات، عقاید و افکار عمومی، در طول تاریخ اهرم قدرت دولت‌ها بوده است. اما امروزه تنوع شیوه‌های ارتباطی، به هم پیوستن رسانه‌ها در یک متن گسترده دیجیتالی، ارتباطات اینترنتی، انفجار تکنولوژی مخابراتی، عدم امکان کنترل امواج ماهواره‌ها که مرزها را درمی‌نوردد و...، تمامی جبهه‌های سنتی نظارت دولت را از بین برده و دولت‌ها نمی‌توانند آنچه در درون مرزهای آنان می‌گذرد، مانند گذشته کنترل کنند. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۳۰۸-۳۱۳)

اگرچه رسانه‌ها و وسایل ارتباطی، ظرفیت دولت‌ها را در اعمال حاکمیت کاهش می‌دهد، اما از دیگر سو، منابع جدید تولید ثروت و قدرت در نسل جدید دولت‌ها می‌باشند. در واقع زیرساخت‌های ارتباطی - اطلاعاتی، دارایی ملی دولت‌های نوظهور مجازی به‌شمار می‌آیند؛ به شرط آنکه دولت‌ها توانایی پردازش این اطلاعات و تبدیل آن به دانش و فناوری را داشته باشند.

۲.۸. تولد بازیگران جدید و جابه‌جایی قدرت

در عصر جهانی شدن، قدرت دولت‌ها از جوانب متعدد در حال جابه‌جایی است؛ بخشی به صورت عمودی و رو به بالا در حال واگذاری به سازمان‌های بین‌المللی و فراملی نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان ملل، سازمان تجارت جهانی، سازمان‌های منطقه‌ای و شرکت‌های فراملیتی است؛ بخش دیگر نیز رو به پایین بوده و در حال جابه‌جایی با سازمان‌های محلی و گروه‌های فشار بومی و نهادهای غیردولتی داخلی است. افزون‌براین، روند خصوصی‌سازی و کوچک کردن ساختار دولت و واگذاری بخش قابل توجهی از قدرت دولت به نهادهای بازار، پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای داشته که در اثر این تحولات، از یک سو دولت‌های ملی پاره‌ای از نقش‌ها و وظایف خود را تا حد قابل توجهی از دست داده‌اند و از سوی دیگر، وظایف جدیدی به‌ویژه در عرصه نهادسازی و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عهده‌دار شده‌اند تا روند تحولات جهانی شدن را کنترل، تسهیل و تنظیم نمایند. (زمانی، ۲۰۰۷).

۲.۹. تمرکززدایی از قدرت و شکل‌گیری دولت‌های منطقه‌ای

جهانی شدن سیاست موجب چندسویگی نهادهای قدرت، تمرکززدایی از اقتدار به نفع دولت‌های منطقه‌ای و محلی و ایجاد هندسه جدید قدرت می‌شود که شاید خود به ایجاد شکل

متفاوتی از دولت، یعنی دولت شبکه‌ای منجر شود. ویژگی این ساختار جدید قدرت، اشتراک قدرت در یک شبکه است. شبکه دارای نقاط اتصال است، نه مرکز؛ این نقاط اتصال، روابط نامتقارن در شبکه را به یکدیگر متصل می‌کند.

بنابراین به نظر می‌رسد دولت شبکه‌ای با حاکمیت و اقتداری که هندسه‌ای متغیر دارد، پاسخ برخی نظام‌های سیاسی به چالش‌های جهانی شدن است. شاید اتحادیه اروپا روشن‌ترین تجلی این شکل نوظهور دولت باشد. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۴۱۱)

۳. ظهور دولت‌های مجازی^۱

عوامل پیدایش دولت‌های مجازی

همان‌گونه که بیان شد، بسیاری از نظریه‌پردازان و اندیشمندان علل شکل‌گیری دولت‌های مجازی را جهانی شدن و تسریع و تشدید این پدیده می‌دانند. جهانی شدن، مفهوم سنتی حاکمیت دولت‌ها را محدود کرده است. رشد فناوری‌های ارتباطی، انقلاب اطلاعاتی و پیشرفت تکنولوژی حمل‌ونقل، امکاناتی برای تحرک اقتصاد (در وجوه سرمایه، نیروی کار، کالا و...)، تعامل فرهنگ‌ها و دگرگونی مفاهیم سنتی سیاست پدید آورده که باعث ظهور منابع جدید هویت‌یابی و مشروعیت، اقتدار و کارآمدی دولت شده است. این تحول در حاکمیت دولت‌ها تا اندازه زیادی به تحول عناصر سازنده دولت، یعنی سرزمین، ملت و قدرت بستگی دارد. در عرصه اقتصادی نیز گرایش مفرط به خصوصی‌سازی، قدرت گرفتن شرکت‌های چندملیتی و گسترش بی‌سابقه بازار آزاد رقابتی، امکان فعالیت فراتر از مرزهای ملی را فراهم آورده است. بنابراین روند پرشتاب جهانی شدن و تحولات تجاری و تکنولوژیک ناشی از آن، دولت‌های مدرن را به دولت‌های مجازی تغییر داده است؛ چراکه قدرت صنعتی و غلبه سرزمینی، دیگر به نیرو و قدرت زیاد نیاز نخواهد داشت. در مقابل، جهت رشد در اقتصادی که حاصل اقتصاد اینترنتی و اخبار و اطلاعات است، دارایی‌های نامرئی مانند آموزش، نیروی کار متخصص و قدرت بازاریابی، حائز اهمیت فراوان است.

به‌هرحال، دولت مجازی به‌دنبال تسریع در روند جهانی شدن و کم‌رنگ شدن نظم و

1. Virtual State

ساختارهای سنتی، در حال ظهور است؛ دولتی که برخی آن را پاسخی مناسب به تحولات اجتماعی، فرهنگی و فکری جهانی می‌دانند.

۳.۲. ماهیت و کارکرد دولت‌های مجازی

در میان هیاهوی سیاست‌های قومی، تضاد منطقه‌ای، بحران‌های مالی و... واقعیتی جدید در حال ظهور است؛ دولت‌های توسعه‌یافته جاه‌طلبی‌های نظامی و سرزمینی را کنار نهاده‌اند؛ زیرا مبارزه آنها نه برای سلطه سیاسی، بلکه برای کسب سهم بیشتر از بازار جهانی است. در این فرایند، ملت‌ها و دولت‌ها در حال قوی‌تر شدن و تبدیل به واحدی نیرومندتر جهت تحمل فشارهای رقابت جهانی می‌باشند. جهان در آغاز راهی است که مهم‌ترین منابع، غیرملموس‌ترین آنهاست؛ جایی که ذخیره کالاها، سرمایه و نیروی کار، کمتر از جریان یافتن آنها، و منابع منطقه‌ای، کمتر از اقتصاد بین‌المللی اهمیت دارد. (Rosecrance, 1999, p3)

در حالی که کشورهای در حال توسعه هنوز کالاهای حاصل از زمین تولید می‌کنند، هم‌چنان در فکر گسترش قلمرو هستند، نوع جدیدی از دولت به شکل دولت‌های مجازی بر مبنای سرمایه سیار، نیروی کار و اطلاعات در حال تولد است. دولت مجازی، یک واحد سیاسی است که سرزمینش را بر مبنای ظرفیت تولید، کوچک نموده است و بازار جهانی را به کسب سرزمین ترجیح می‌دهد.

در گذشته که تضاد نظامی و آرزوی داشتن سرزمین، روابط ملت‌ها را تعیین می‌کرد، جریان اصلی بین کشورها مبتنی بر مسائل نظامی بود؛ اما با جابه‌جایی سریع سرمایه، تکنولوژی، نیروی انسانی و اطلاعات بین دولت‌ها، جریان‌های آتی به‌طور گسترده‌ای اقتصادی خواهند بود. همچنین در درازمدت دسترسی ملی به عوامل بین‌المللی تولید می‌تواند جایگزین نیاز به کنترل زمین اضافی باشد. این بدان معنا نیست که دولت‌ها به‌عنوان شخصیت‌های منطقه‌ای منحل خواهند شد یا اینکه سیاست‌ها بدون وجود فضای جغرافیایی به اجرا در خواهند آمد، بلکه دولت‌ها تنها نیازمند حداقل خاصی از سرزمین می‌باشند تا تجارت سیاسی و نهادهای نمایندگی را که متمایزکننده آنها می‌باشد، هدایت نمایند.

دولت‌های مجازی با انتقال بخش اعظم تولیدات داخلی خود به خارج و هدایت سطح بیشتری از اقتصادشان به سمت سطوح بالای خدمات، روابط تولیدی و بین‌المللی خود را از نو شکل می‌دهند. آنها جهانی را آغاز کرده‌اند که به‌جای ذخیره کالاها، مبتنی بر کنترل جریان تولید

و قدرت خرید است. این دولت‌ها جهانی را شکل داده‌اند که به‌جای ماشین و سرمایه مادی، مبتنی بر آموزش و سرمایه انسانی است. آنها به ملت‌ها فرصتی برای ایجاد ارتباطات بین‌المللی در زمینه تولید ارائه می‌کنند.

دولت مجازی نیز همانند ستاد مرکزی یک شرکت بزرگ مجازی، استراتژی کلی را تعیین و به‌جای ظرفیت پرهزینه تولید، روی افراد سرمایه‌گذاری می‌کند. امپراتوری بریتانیای کبیر شاید نمونه‌ای برای قرن ۱۹ بوده باشد؛ اما هنگ‌کنگ، سنگاپور و تایوان، نمونه‌ای برای قرن ۲۱ خواهند بود (رزکرانس، ۱۳۸۸، ص ۱۷-۱۹)

در واقع می‌توان گفت همراه با تولید روزافزون خارجی، تولیدات داخلی، تکنولوژی، دانش و سرمایه، اهمیتی بیشتر از زمین پیدا کرده است؛ از این رو کارکرد دولت باید بازتعریف شود. دولت دیگر مثل گذشته حاکم بر منابع نیست و به‌جای آن تلاش دارد سرمایه و نیروی کار خارجی و داخلی را برای ورود به فضای اقتصادی خود تشویق کند. دولت مجازی به این دلیل به تولید در خارج اقدام می‌کند که بتواند در داخل به سطح بالای خدمات از قبیل تحقیق و توسعه، تولید طرح، مسائل مالی، بازاریابی و حمل‌ونقل دست یابد. در وضعیت کنونی، استراتژی اقتصادی یک ملت حداقل به اندازه استراتژی نظامی آن اهمیت دارد و سفیرانش به نمایندگان تجارت خارجی آن تبدیل شده‌اند. امروزه تجارت و سرمایه‌گذاری و بازاریابی خارجی عمده‌تاً به همان توجه و مدیریتی نیاز دارند که امور سیاسی و نظامی در دو دهه پیش نیاز داشتند. (رزکرانس، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴-۱۲۵)

به‌طور کلی باید گفت دولت مجازی مبتنی بر عوامل سیار تولید است. از آنجاکه اندازه و حجم، دیگر بیانگر ظرفیت اقتصادی نیست، منطق اقتصادی این دولت، بهره‌جویی از طریق کوچک کردن مولد است. بدین ترتیب، دولت‌های مجازی کلید رقابت برای ثروت بیشتر را در قرن بیست‌ویکم در دست دارند. (Rosecrance, 1996, p18)

۳.۳. ابعاد و شاخص‌های دولت‌های مجازی

برای درک بهتر مفهوم دولت مجازی و تحولاتی که منجر به شکل‌گیری این گونه نوین دولت شده است، همچنین به‌منظور بهره‌برداری بیشتر و بهینه از این دولت در عرصه روابط بین‌الملل، اساسی‌ترین ویژگی‌ها و شاخص‌های آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

- شرکت‌های مجازی

محوری‌ترین شاخص دولت‌های مجازی، شرکت‌های مجازی است. شرکت مجازی عبارت است از تحقیق، توسعه طراحی، بازاریابی، امور مالی و حقوقی و سایر فعالیت‌های ستادی که قابلیت تولیدی کم یا صفر دارند. شرکت مجازی با تمرکز بر تولید طرح، بازاریابی و امور مالی، موجب انتقال فرایند تولید به مناطق دیگر شده و تولیدات خود را در سراسر جهان پخش می‌کند. به‌عنوان نمونه، سوئیس تقریباً ۹۸ درصد از تولید نستله‌اش و هلند نیز بیشتر کالاهایش را در خارج از مرزها تولید می‌کند. همچنین ۲۰ درصد تولید شرکت‌های آمریکایی در حال حاضر در خارج از کشور صورت می‌گیرد. (رزکرانس، ۱۳۸۸، ص ۲۴-۲۶)

- رهایی از سرزمین

رهایی از زمین به‌عنوان عامل تعیین‌کننده تولید، فرصت‌های جدیدی به ملت‌های در حال ظهور می‌دهد. ساختار مزیت‌های نسبی که غیر قابل تغییر می‌نمودند، هم‌اکنون می‌تواند به‌وسیله نیروی کار آموزش‌دیده سطح بالا، مغلوب شود. ملت‌ها می‌توانند سرمایه‌گذاری انسانی را جایگزین تلاش برای پیش‌بینی نوسانات بازار کالاها نمایند و از تهدید دائمی تولید اضافی اجتناب ورزند.

- اهمیت کارویژه آموزشی - پرورشی

طی ادوار طولانی، از جهت اجتماعی و اقتصادی به آموزش بهای کمی داده می‌شد؛ در صورتی که مطالعات بهره‌وری مؤسسه بروکینگ آمریکا نشان‌دهنده اهمیت نقش آموزش در رشد و پیشرفت آمریکاست. بنابر گزارش بانک جهانی ۶۴ درصد از ثروت جهانی شامل سرمایه انسانی است. از این رو، با توجه به اهمیت فوق‌العاده مقوله آموزش، شرکت‌ها به‌دنبال ارتقای استانداردهای تدریس و تعلیم در درون خود هستند.

آموزش از دو جهت سرمایه محسوب می‌شود: اول اینکه یک جامعه تحصیل‌کرده به‌عنوان یک رقیب در بازار اقتصاد جهانی بسیار مؤثر است؛ دوم از این جهت که آموزش، مناسب‌ترین راه‌حل علاج نابرابری‌های داخلی است.

در رقابت اقتصادی بین‌المللی، سرمایه انسانی ابزاری است که دولت‌ها به‌وسیله آن خود را از محدودیت‌های جغرافیایی رها ساخته و به‌واسطه آموزش مناسب، قادر به تغییر آینده اقتصادی و صنعتی خود شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه این آموزش‌ها باید از دوره دبستان و

راهنمایی عملی شوند. (رزکرانس، ۱۳۸۸، ص ۳۳)

- اقتصاد اطلاعاتی

اقتصاد در دولت مجازی، اطلاعاتی است؛ بدین معنا که در آن بهره‌وری و رقابت میان شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، مناطق و حوزه‌های اقتصادی به دانش، اطلاعات و تکنولوژی لازم جهت پردازش این اطلاعات متکی شده است. اقتصاد اطلاعاتی متشکل از فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی است که همگی متکی بر دانش و اطلاعات هستند. (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶)

در دولت مجازی، فعالیت مجازی از تولید کالا به ارائه خدمات گرایش می‌یابد و از بین رفتن مشاغل کشاورزی با کاهش فعالیت‌های تولیدی و جایگزینی مشاغل خدماتی جبران خواهد شد. به عبارت دیگر، هرچه اقتصاد پیشرفته‌تر باشد، مشاغل و تولیدات آن بیشتر بر خدمات متمرکز خواهد شد. در اقتصاد نوین، مشاغلی که فعالیت‌های آنها دارای بار اطلاعاتی زیاد است، مانند مشاغل مدیریتی، بازاریابی و فنی و حرفه‌ای، سریع‌تر از دیگر جایگاه‌ها رشد می‌کنند. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۵۲)

- کاهش جنگ و افزایش صلح

در فرایند کوچک شدن و انتقال تولید به خارج از مرزها، شرکت‌ها و دولت‌ها باید به اعتماد به دیگران عادت کنند. شرکت‌های مجازی به تسهیلات تولیدی سایر شرکت‌ها نیازمندند؛ در نتیجه، روابط اقتصادی بین دولت‌ها شبیه سلسله اعصاب، کشورهای سر^۱ را در یک نقطه به کشورهای بدنه^۲ در نقطه دیگر متصل می‌کند. مادامی که سیستم بین‌المللی دولت - ملت‌ها باقی باشد و دولت‌ها به حوادث از منظر مالی بنگرند، تضاد بین اعضای آنها وجود خواهد داشت و رقابت و کشمکش همیشگی بین آنها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ اما روند شکل‌گیری دولت‌های مجازی، اتحادهای شرکتی و روابط تجاری، گواهی از اوضاع صلح‌مدارانه جهان دارد. اگرچه ممکن است دولت‌های مجازی مشکلات داخلی را حل نکنند، اما قراردادهای اقتصادی که این دولت‌ها را به سایر دولت‌ها مرتبط می‌کند، به حل آسان‌تر مسائل امنیتی کمک خواهد کرد. (رزکرانس، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۳۹)

1. Head
2. Body

امروزه کشورها از نظر سیاسی، اقتصادی و نیز از لحاظ ارتباطات، نگاه بازتری دارند. ارتباطات اینترنتی حتی میان کشورهای که دولت‌هایشان با هم مخالفند، ادامه دارد. این وابستگی‌های ارتباطی، کشورها را در بهزیستی با یکدیگر به هم پیوند می‌دهد.

- بحران شهروندی

هم‌زمان با کوچک شدن دولت‌ها، نارضایتی کارکنان رو به افزایش می‌گذارد؛ استخدام در زمینه‌هایی افزایش و در جاهایی کاهش می‌یابد. در بیشتر کشورها، جریان عوامل بین‌المللی تولید شامل تکنولوژی، سرمایه و نیروی کار، قدرت اقتصادی داخلی را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ در نتیجه دولت باید برای حل مشکلات داخلی خود به‌طور مستقیم با عوامل تولید بین‌المللی وارد معامله شود.

کشورهای مجازی نیاز به سرمایه‌گذاری در خارج دارند؛ چه در غیر این صورت، بازار خارجی را از دست می‌دهند. حفظ این سرمایه‌گذاری نیاز به حفظ تورم پایین، افزایش تولید، پول قوی و نیروی کار انعطاف‌پذیر و آموزش دیده دارد نتیجه عدم تأمین چنین مواردی، ناامنی داخلی برای مشاغل رفاهی و خدماتی خواهد بود.

جهانی شدن هرچند ممکن است تضادها را در ملت‌های جهان سوم کاهش دهد، اما این امکان وجود دارد که در کشورهای توسعه‌یافته، نابرابری بین کارگران ماهر و غیرماهر را افزایش دهد. انتقال تولید به فراسوی مرزها، کارگرانی را در کشورهای جدید به استخدام درمی‌آورد. مهاجرت مردم از کشورهای جهان سوم به کشورهای جهان اول، دستمزدهای واقعی را در کشورهای خودشان افزایش می‌دهد؛ در نتیجه، توانایی دولت در حمایت از دستمزدها و قیمت‌ها و حفظ استخدام به‌طور گسترده کاهش می‌یابد. بنابراین دولت مجازی نمی‌تواند تمام شهروندانش را راضی نگه دارد. (رزکرانس، ۱۳۸۸، ص ۳۹-۴۲)

- همکاری نظام‌های اقتصادی و سیاسی

دولت مجازی برای موفقیت نیازمند همکاری نظام‌های سیاسی و اقتصادی در هر دو حوزه داخلی و بین‌المللی است. دولت مجازی باید الگوهای قانونی و منفعتی خود را چنان ترتیب دهد که عوامل تولید بتواند به‌آسانی از ملتی به ملت دیگر منتقل شود. برای تحقق این امر، بازار دولت باید یکدیگر را در منافع همیاری نمایند؛ اگر بازار همه نتایج سیاسی را دیکته کند، حاصل آن خط‌مشی‌های ناشی از رشوه‌گیری و فروش مقام خواهد بود و اگر دولت همه

فعالیت‌های اقتصادی را اداره کند، توزیع کارآمد قربانی خواهد شد و ارزش‌های سیاسی و نظامی، برتری می‌یابند. بنابراین توازن بین امور سیاسی و اقتصادی، اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد؛ هرچند کار آسانی نیست. (رز کرانس، ۱۳۸۸، ص ۴۴)

- بازیگران نرم‌افزاری، کارگزاران ویژه دولت مجازی

یکی از ویژگی‌های دولت‌های مجازی، ظهور بازیگران نرم‌افزاری است. اطلاعات و دانش به‌عنوان منابع جدید تولید قدرت و ثروت در دولت مجازی مورد توجه است؛ لذا توسعه منابع ارتباطی - اطلاعاتی برای دستیابی به اطلاعات ضروری است. از آنجاکه عصر اطلاعات انبوه اطلاعات را به همراه دارد، افزایش توانایی و ظرفیت دولت در پردازش آن از یک سو و انطباق‌پذیری با اطلاعات دریافتی از محیط بیرونی از سوی دیگر، لزوم تحول در ساختار و کارکردهای دولت را متذکر می‌شود. از آنجاکه تحول در ساختار با تحول در کارگزار و یا نگرش همراه است، شکل‌گیری دولت مجازی منوط به حضور بازیگران نرم‌افزاری است.

لازم به ذکر است منظور از بازیگران نرم‌افزاری، نخبگان و حاملان انقلاب اطلاعاتی و یا عاملان توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش هستند. آنها با ایفای نقش‌های مناسب موجب ظهور دولت مجازی می‌شوند. (یعقوبی، ۱۳۸۴، ص ۱-۲)

- مهاجرت گسترده نیروی کار

در عصر جهانی شدن و ظهور دولت‌های مجازی، محرک‌های اقتصادی به‌شدت مهاجرت‌های جدید را دامن می‌زنند. درعین‌حال، جذابیت مشاغل آن‌سوی مرزها برای نیروی کار داخلی، جریان خروج نیروی انسانی به‌ویژه کارگران و مدیران اجرایی آموزش‌دیده را در پی خواهد داشت؛ زیرا سرمایه‌گذاری داخلی دیگر بهره‌وری چندانی ندارد.

البته مهاجرت گسترده نیروی کار بدین معنا نیست که نیروی کار، بسیاری از کارکنانش را به خارج خواهد فرستاد؛ بلکه برخی از این تبادلات از نوع مجازی خواهند بود. حسابداران، متصدیان اطلاعات و سازندگان نرم‌افزار برای خدمت به کارفرمایان خارجی مجبور به ترک کشورشان نیستند؛ بلکه می‌توانند از طریق شبکه‌های اطلاعاتی مجازی کار کنند؛ به‌عنوان نمونه، شرکت‌های بیمه ایالات متحده قادرند تشریفات اداری‌شان را بدون هیچ جابه‌جایی پرسنل در «دوبلین» انجام دهند. (رز کرانس، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲-۱۰۳)

- سیاست بر بال رسانه

در فضای فرهنگی دولت مجازی که متکی بر واقعیت مجازی است، بازیگران سیاسی به منظور حضور در صحنه و تاثیرگذاری بر روند تحولات ناگزیرند از رسانه‌های حامل نمادهای الکترونیک، به خصوص تلویزیون، به صورت تمام‌عیار بهره‌برداری کنند. پیامی که در عرصه سیاست از طریق رسانه‌های الکترونیک انتقال می‌یابد، به اقتضای ماهیت رسانه و انباشت اطلاعات، صورتی ساده به خود می‌گیرد.

دیپلماسی کنونی به یاری رشد تکنولوژی و فضای مجازی، از حالت مذاکرات چهره‌به‌چهره^۱ به گفتگوی رسانه‌ای^۲ تبدیل شده است. مؤثرترین ابزار فعالیت سیاسی و دیپلماسی در این فضا، بهره‌گیری از پیام‌های با محتوای منفی است؛ مؤثرترین پیام‌های منفی عبارت است از آنچه که بر افشاگری‌ها، بازگویی رسوایی‌های اخلاقی و مالی، برجسته کردن فقدان مشروعیت سیاسی و نقاط ضعف دیدگاه‌های رقیب تأکید دارد. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۷)

- نیاز به اتحاد و ائتلاف فراگیر

ملت‌های مجازی به حمایت‌هایی نیازمندند که گروه‌های متحدی از قدرتهای بزرگ می‌توانند آن را عرضه نمایند. این اتحاد به ثبات سیاست جهانی کمک می‌کند و به مؤسسات بین‌المللی شانس برای فعالیت می‌دهد. در واقع حفظ اطاعت بین‌المللی و اجرای تعهدات، نیازمند اتحادی فراگیر در سیاست جهانی است. امروزه شاهد گونه‌ای از این توافق و همدلی غیررسمی به صورت ائتلاف فراگیر میان قدرتهای بزرگ پس از پایان جنگ سرد و کم‌رنگ شدن اختلافات شدید ایدئولوژیکی دول اصلی هستیم.

- جنگ نرم

تحولات آموزشی بر روی نیروی نظامی نیز تأثیرگذار است. جنگ می‌تواند به صورت الکترونیکی، از راه دور و در فضای سایبر، بدون از دست دادن جان مسبب آن اجرا شود. با اینکه کشورها در جنگ می‌توانند خلع سلاح و مجازات شوند، نمی‌توان آنها را به صورت الکترونیکی اشغال و اداره کرد. (رزکرانس، ۱۳۸۸، ص ۳۴۲)

1. Face to Face
2. Protonegotiation

- تبدیل کارویژه مسائل امنیتی به قدرت

مؤلفه دیگر دولت مجازی، تبدیل مسائل سیاسی از حالت امنیتی به قدرتی است؛ اما قدرت در این مرحله در قالب تعاون و تعامل انسانی تعریف می‌شود، نه در ردای حذف‌گرایی سنتی، یا تقابلی‌گرایی مدرن. حتی رقابت منفی که در دنیای مدرن مطرح بوده، در این فضای فکری جایی ندارد، چه رسد به حذف‌گرایی سنتی و بنیادگرایی یا توتالیتریسیم. مزو این تعامل را مرحله عشق، هانا آرنه آن را مرحله تعامل انسانی و نظریه‌پردازان بین‌الملل آن را مرحله به‌هم پیوستگی یا وابستگی متقابل نام نهاده‌اند. (سریع القلم، ۱۳۸۱، ص ۶)

- از تولید انبوه تا تولید انعطاف‌پذیر

در دنیای امروز از سویی تنوع نقشی اساسی ایفا می‌کند و از سوی دیگر، هم‌زمان با تنوع ذائقه‌ها باید به کوچک‌سازی و تفاوت‌های کوچک توجه کرد. از این رو دولت‌های مجازی هم‌آوا با تحولات پسامدرنی و شرایط سازمانی خود به کوچک‌گرایی و تنوع‌گرایی رو می‌کنند. از جمله تحولات شرایط سازمانی، گذار از تولید انبوه به تولید انعطاف‌پذیر یا از «فوردیسیم»^۱ به «پست فوردیسیم»^۲ است. فوردیسیم، نوعی شیوه تولید بود که بر کارخانجات عظیم استوار بود و خود را وقف تولید انبوه یک فقره واحد با حداقل تفاوت براساس افزایش بهره‌وری نموده و سازمان آن، مستلزم الگوهای شغلی ثابت و دائمی بود. (کانر، ۱۳۸۰، ص ۵۲-۵۴) اما در دوران پسا فوردیسیم، هنگامی که کمیت و کیفیت تقاضا غیر قابل پیش‌بینی شد، بازارها در سراسر جهان متنوع‌تر و مهار آنها دشوارتر شد و هنگامی که آهنگ تحول تکنولوژیک، تجهیزات تولید تک‌منظوره را از دور خارج کرد، نظام تولید انبوه چنان انعطاف‌ناپذیر و پرهزینه شد که دیگر با ویژگی‌های اقتصاد نوین و عرصه رقابت بین‌المللی سازگار نبود؛ لذا نظام تولید انعطاف‌پذیر اقتصاد دولت‌های مجازی، پاسخی برای غلبه بر این انعطاف‌ناپذیری بود. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۹۸)

- شبکه‌سازی و مدیریت منابع قدرت

از دیگر مؤلفه‌های دولت مجازی، ماهیت شبکه‌سازی و مدیریت منابع متحرک و سیال قدرت می‌باشد. وظیفه دولت‌های مجازی در این مدیریت عبات است از «مدیریت و هدایت

1. Fordism
2. Post Fordism

منابع قدرت جهانی، تشویق و تحریض و هماهنگی فعالیت‌ها، تدوین استراتژی اقتصادی نه در منابع سنتی مانند صنعت و معدن و کشاورزی، بلکه در زمینه‌هایی چون خدمات پژوهشی و فنی و تعلیم نیروی کار خلاق، کارآفرین و کارآمد. بنابراین، درآمد از صنعت پرارزش ناشی نمی‌شود؛ بلکه از طراحی، بازاریابی، بیمه، بسته‌بندی مناسب، توسعه کمی و کیفی، ارائه تسهیلات، امور حقوقی و تأمین ذخایر مالی ناشی می‌شود. (سریع‌القلم، ۱۳۸۱، ص ۶)

۳.۴. چالش‌های دولت‌های مجازی

همان‌گونه که بیان شد، ملت‌های مجازی با رهایی گسترده از قید سرزمین و کاستن از حجم تولیدات داخلی، توجه خود را به تحقیق و توسعه و تولید طرح در کشور خود متمرکز نموده و بیشتر تولیدات مادی خود را به فراتر از مرزها انتقال داده‌اند؛ نتیجه این امر، همکاری مولد بین ملت‌های «سر» که محصولات را طراحی و ملت‌های «بدنه» که آن محصولات را تولید می‌کنند، می‌باشد. این وابستگی جدید به مزایای مولد که میان دولت‌ها ایجاد شده است، اعتمادی بی‌سابقه در یکی شدن، تعاملات متقابل و صلح بین ملت‌ها فراهم می‌آورد. صلح و اعتماد اقتصادی به دیگر کشورها حتی به صورت جزئی، پافشاری بر تمرکز بر دارایی‌های نظامی را از بین می‌برد.

امنیت دولت مجازی بر این فرض قرار دارد که مسیرهای تجاری باز شده و جریان‌های عوامل تولید، در کل گسسته نخواهد شد. اما این امنیت بدین معنا نیست که جنگ‌های بزرگ برای همیشه کنار روند؛ ممکن است عامل زمین دوباره به صحنه آورده شود و با احیای سرزمین، تولیدات مادی اهمیتی دوباره یابد. گرچه پیش‌بینی‌های جمعیت‌شناسانه، کاهش نرخ مولید در جهان را نشان می‌دهد، ولی فورانی چشم‌گیر از رشد جمعیت می‌تواند درخواست مواد پایه‌ای را افزایش دهد. ممکن است یک رکود اقتصادی اساسی، تجارت و ارتباطات تولیدی که ملت‌ها را به همدیگر مرتبط می‌کند، قطع نماید. همچنین ممکن است تضادهای توازن قدرت از سر گرفته شود و انزجارهای قومی، همان‌طور که زمانی در جنگ جهانی اول صورت گرفت، به خشونت بین‌المللی سرایت کند.

از سویی دیگر باید اذعان کرد در دولت‌های مجازی، سودآوری در درجه نخست اهمیت قرار دارد و برای این هدف، حد و مرزی وجود ندارد. در واقع نقطه آغازین دولت‌های مجازی

«دولت سوداگر»^۱ بوده است؛ از این رو بروز رکودها و بحران‌های اقتصادی، بیشترین ضربه را بر پیکره دولت‌های مجازی وارد می‌آورد. همچنین تحرکات ناشی از عملکرد دولت‌های صاحب سرزمین و ملت، ممکن است گستره عملیات دولت‌های مجازی را محدود نماید.

این چالش‌ها و بحران‌ها می‌تواند مشکلاتی برای بالندگی و کارآمدی دولت‌های نوظهور و شکننده مجازی به وجود آورد؛ از این رو، دولت‌های مجازی باید ظرفیت‌های لازم در خنثی کردن تهدیدها، برخورد با چالش‌ها و انطباق با این شرایط و مقتضیات را داشته باشند. آنچه بیش از همه، ظرفیت دولت‌های مجازی در برخورد با این چالش‌ها را تقویت می‌کند، توجه قانون‌گذاران داخلی به معاهدات چندجانبه بین‌المللی تأمین‌کننده منافع دولت‌های مجازی است.

نگاهی به معاهدات بین‌المللی دو دهه اخیر که عمدتاً با هدف تأمین منافع بنگاه‌های اقتصادی بزرگ منعقد شده‌اند، ادغام‌های اقتصادی در سطح جهانی که با هدف ایجاد انحصار شکل می‌گیرند و نقش بی‌بدیل شرکت‌های فراملی در حقوق داخلی که قانون‌گذاری در جهت حمایت از اهداف دولت‌های مجازی را پی می‌گیرند، مؤید این امر است که قدرت‌گیری دولت‌های مجازی، نظام حقوق داخلی را به سود معاهدات بین‌المللی متحول کرده است. از سویی نیز نیاز به سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال، قانون‌گذاران داخلی را مجبور به حمایت از دولت‌های مجازی و توجه به اهداف و خواسته‌های سرمایه‌گذاران و شرکت‌های "دانش-بنیان" می‌نماید.

چشم‌انداز آینده؛ ظهور شکل نوین دولت‌ها، توسعه اقتصادی و صلح پایدار

دولت تحت‌تأثیر تحولات اواخر قرن بیستم و آغاز هزاره سوم، کارکرد، ساختار و تحول جدیدی پیدا کرده است؛ دولتی که الزامات ناشی از رویکرد به نئولیبرالیسم، خصوصی‌سازی، تضعیف ساختار دولت‌های رفاهی و تأکید بر همکاری‌های اقتصادی و مالی همراه با تغییر شرایط جنگ سرد و رقابت‌های شدید اقتصادی و نظامی، محدودیت‌ها و کارکردهای خاصی را بر آن تحمیل کرده است. همچنین تحولات عمیق اقتصادی و جهانی شدن باعث شده کارویژه‌های دولت هرچه بیشتر بازتعریف شود. در راستای این تحولات، عده‌ای معتقدند نظریه "دولت مجازی" گامی نو در عرصه روابط بین‌الملل و حقوق عمومی به‌سوی نزدیک شدن به

1. Trading State

نظریه دولت حداقل در عرصه اندیشه سیاسی و اقتصادی می‌باشد؛ چراکه چنین دولتی در عرصه‌های داخلی و ملی نیز باید کوچک شود. در چنین چشم‌اندازی، دولت دیگر نمی‌تواند مشکلات مهم را حل کند و نقش آن به بازیگری در کنار سایر بازیگران عرصه سیاست داخلی تقلیل خواهد یافت. در این شرایط مردم به این فکر می‌افتند که شاید دیگر نهادهای فرهنگی، قومی، سیاسی و خدماتی بیشتر از نهاد دولت به آنها شعور جمعی و حس پشتیبانی دهند. (رحمت‌الهی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱) با این چشم‌انداز، به اعتقاد برخی دوره‌ای از بی‌اعتنایی به جایگاه دولت به وجود می‌آید که خود باعث محدود شدن نقش و کارکردهای دولت می‌گردد. (توحیدفام، ۱۳۸۱، ص ۲۵۱)

با وجود تمام این محدودیت‌ها، دولت در برابر تأثیرات فراملیتی و منطقه‌ای تسلیم نشده است. باین وجود، این واقعیت غیر قابل انکار است که در دنیای مجازی، دولت‌ها ضعیف‌تر از گذشته هستند. آنها نمی‌توانند ضامن نتایج اقتصادی دلخواه برای مردم خود باشند؛ بلکه باید با عوامل خارجی تولید به صورت اقتصادی و با سایر دولت‌ها به صورت سیاسی همکاری کنند. این همکاری محتاج توافق‌نامه و اتحاد فراگیر میان قدرت‌های بزرگ است؛ اگر این توافقات پابرجا بماند، متجاوزان نمی‌توانند ثبات همکاری‌های بین‌المللی را به شکست بکشانند. بنابراین در قرن بیست و یکم دولت‌ها همچنان به عنوان مهم‌ترین عامل سازماندهی سیاست بین‌الملل باقی می‌مانند.

نتیجه

در عصر جهانی شدن، بحران مشروعیتی دامن‌گیر نهاد دولت-ملت شده که معنا و کارکرد آن را دگرگون ساخته است. دولت مجازی، شکل جدیدی از دولت است که هم‌آوا با تحولات پسامدرنی به تنوع‌گرایی و کوچک‌گرایی رو کرده است. این دولت‌ها که هدف اصلی‌شان سودآوری است، فاقد سرزمین و ملت هستند، ولی قدرت اقتصادی آنها برابر با بودجه سالانه ده‌ها کشور است. از این رو در دولت مجازی، غیرملموس‌ترین و سیال‌ترین منابع که عبارتند از تخصص در کار، سرمایه، دانش و اطلاعات، تعیین‌کننده سعادت اقتصادی هستند. فرایندهای حاکم بر دولت‌های مجازی، جهان را شتابان به سوی تقسیم دولت‌ها به «سر» (برنامه‌ریزان) و «بدنه» (مجریان) پیش می‌برد. دولت‌هایی که به این ترتیب به هم می‌پیوندند، کمتر به ستیز با هم

روی می‌آورند؛ از این‌رو، به باور برخی باید زمینه رشد دولت‌های مجازی را که جهان را امن‌تر و آرام‌تر خواهند ساخت، فراهم آورد. به عبارتی، اگر نگرانی اصلی دولت‌ها در زمینه امنیت باشد، این نگرانی از طریق گسترش تعاملات اقتصادی، وابستگی متقابل و همکاری شبکه‌ای دولت‌ها قابل دستیابی خواهد بود؛ بدین ترتیب از خطر جنگ کاسته خواهد شد. چنین ظرفیتی نیازمند توجه قانون‌گذاران کشورها به معاهدات دو یا چندجانبه بین‌المللی برای تأمین منافع دولت‌های مجازی است.

بدین ترتیب، ظهور دولت‌های مجازی با ساختاری جدید در عرصه روابط بین‌الملل موجب آغاز دوره جدیدی از رقابت صلح‌آمیز میان ملت‌ها شده و امیدبخش‌گذار نوین، همراه با تعاون و همکاری، به هزاره جدید در موج سوم تمدن بشری می‌باشد.



منابع و مأخذ

۱. آشفته تهرانی، امیر (۱۳۸۷)، جامعه شناسی جهانی شدن، تهران. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی دانشگاه امام صادق: www.isu.ac.ir
۲. بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۱)، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران، نشر نی.
۳. بهمن تاجانی، شهرام، جایگاه شرکت‌های فراملی در اقتصاد بین‌المللی و چشم‌اندازهای آینده، نشریه اندیشه صادق، شماره ۱۶-۱۹.
۴. تارو، لستر (۱۳۸۳)، بزرگان و بازرگانان جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. توحیدفام، محمد (۱۳۸۲)، بازاندیشی درباره دولت و دموکراسی در آغاز سده ۲۱، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۵-۱۹۶، آذر و دی ماه ۱۳۸۲.
۶. _____ (۱۳۸۱)، دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن، چ اول، تهران، انتشارات روزنه.
۷. خادمی پاشاکی، بابک (۱۳۸۶)، بازخوانی یک تئوری سیاسی - اقتصادی، روزنامه اعتماد ملی، ۱۱ اردیبهشت.
۸. رحمت‌الهی، حسین (۱۳۸۸)، تحول قدرت، چ اول، تهران، نشر میزان.
۹. رزکرانس، ریچارد (۱۳۸۸)، پیدایش دولت‌های مجازی (ثروت و قدرت در قرن آینده)، ترجمه بابک خادمی پاشاکی، چ اول، انتشارات پلیکان.
۱۰. زمانی، هادی (۲۰۰۷م)، موانع تکوین دولت مدرن و توسعه اقتصادی ایران، جلد اول، لندن، نشر hz.
۱۱. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱)، مؤلفه‌های دولت مجازی، نشریه دنیای اقتصاد، شماره ۱۵، ص ۶.
۱۲. شهرام‌نیا، امیرمسعود (۱۳۸۵)، جهانی شدن و دموکراسی در ایران، تهران، چ اول، موسسه پژوهشی نگاه معاصر.
۱۳. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان.

۱۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، *موقعیت دولت و شهروندان در عصر جهانی شدن*، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، شماره ۳.
۱۵. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: پایان هزاره*، ترجمه احدعلی قلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.
۱۶. _____ (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احدعلی قلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.
۱۷. _____ (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: قدرت هویت*، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، طرح نو.
۱۸. کانر، استیون (۱۳۸۰)، *پست مدرنیسم: نفی فرا روایت‌ها*، (از مجموعه مقالات پست مدرنیته و پست مدرنیسم)، تدوین حسینعلی نودری، تهران.
۱۹. میرمحمدی، داوود (۱۳۸۱)، *جهانی شدن، ابعاد و رویکردها*، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۱، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.
۲۰. نیاکویی، امیر (۱۳۸۱)، *جهانی شدن و توسعه با نگاهی به ایران*، تهران، کتاب دانشجوی.
۲۱. هلد، دیوید و آنتونی مک گرو (۱۳۸۲)، *جهانی شدن و مخالفان آن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۲. یعقوبی، سعید (۱۳۸۴)، *سیاست‌گذاری در دولت مجازی: اقتدار و قدرت ملی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
23. Ashley, D (1997), *History without a subject: the postmodern condition*, Westview Press: Boulder, Colorado.
24. Rosecrance, Richard (1999), *The Rise of virtual state , wealth and power in coming century*, New York, basic book.
25. Rosecrance, Richard (1996), *The Rise of virtual state*, in Foreign Affairs.
26. Woods-Ngaire (2005), *International Political economy in an age of Globalization*, in the Globalisation and legal Theory Butterworths, London, Edinburgh, Dublin.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی